



سوره نمل مکی است و آن نود و سه  
آیت و هفت رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
طس ت تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ①

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ②  
الَّذِينَ يُعْمَلُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ  
هُمْ يُؤْتُونَ ③  
إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّاتٌ لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ  
فَهُمْ يَصِمْوْنَ ④

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ  
هُمْ الْأَخْسَرُونَ ⑤

وَإِنَّكَ لَتَلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ⑥

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَائِغَةً فِيهَا عَصِيرٌ أَوْ زَبِيبٌ  
يُشَاهِبُ قَبِينَ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ⑦

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مِنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا  
وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ⑧

بنام خدای بخشاینده مهربان .  
طس .

این ها آیات قرآن و کتاب روشن ست (۱) .  
هدایت و مژده است برای مسلمانان (۲) .  
آنانکه برپامیدارند نماز را و می دهند زکوة  
را و ایشان بآخرت یقین می آرند (۳) .  
آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت آراسته  
کردیم برای ایشان کردارهای ایشان را  
پس ایشان سرگردان می شوند (۴) .  
این جماعت آنانندکه برای ایشان ست  
سختی عذاب و این جماعت درآخرت  
ایشانند زیان کارتر (۵) .

وهرائینه توداده می شوی قرآن از نزد  
خدای استوارکار دانا (۶) .

یادکن آنگاه که گفت موسی باهل خودهر  
آئینه من دیده ام آتشی خواهم آورد برای  
شما از آن خبری یا خواهم آورد برایتان  
شعله ای که درآخگری فرا گرفته، باشد  
که شما گرمی حاصل کنید (۷) .

پس چون رسیدبآتش نداداده شدبه او که  
برکت داده شد کسی را که درآتش ست  
و کسی را که حوالی وی ست و پاکی  
خدای راست پروردگار عالمها<sup>(۱)</sup> (۸) .

(۱) مترجم گوید کسیکه درآتش ست ملائکه که درآن نورمصوربصورت آتش بودند  
ملائکه دیگر که فرود تر ازایشان بودند والله اعلم .

ای موسیٰ هر آئینه (سخن اینست که) من  
خدای غالب با حکمتم (۹) .

و بیفکن عصای خود را پس چون دید که  
عصای جنبدگویای ماریست رو بگردانید  
پشت داده و باز نه گشت گفتیم ای موسیٰ  
مترس هر آئینه نمی ترسند نزد من  
پیغامبران (۱۰) .

لیکن آنکه ستم کرد باز عوض آن کرد  
نیکی بعد از بدی پس هر آئینه من آمرزنده  
مهربانم (۱۱) .

و در آرد ست خود را بگریبان خود تا بیرون  
آید سفید بدون عیب باین دوشانه که  
داخل اند در نه معجزه برو بسوی فرعون  
و قوم او هر آئینه ایشان بودند گروه فاسقان  
(۱۲) .

پس آنگاه که آمد بدیشان نشانه های  
ماروشن شده گفتند این سحر ظاهر ست  
(۱۳) .

و انکار آن کردند از روی ستمکاری و تکبر  
و باور داشته بود آن را دل های ایشان پس  
بنگر چگونه بود آخر کار مفسدان (۱۴) .  
و هر آئینه دادیم داؤد و سلیمان را علم و  
گفتند ستایش آن خدای راست که فضل  
داد ما را بر بسیاری از بندگان مومن خویش  
(۱۵) .

و وارث شد سلیمان داؤد را و گفت ای  
مردمان آموخته شد ما را گفتار مرغان  
و داده شد ما را از هر نعمتی هر آئینه این  
است فضل ظاهر (۱۶) .

يُوسَىٰ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ①

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا  
وَلَمْ يُعَيِّتْ يَوسَىٰ أَكْفَعْتَنِي لِأَيْخَانُ كَدَيْ  
الْمُرْسَلِينَ ②

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَلْ حَسْبًا بَعْدَ سَوْءِ قَارِي  
عَفْوًا رَحِيمًا ③

وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سَوِيءٍ  
فِي تَبَعِ أَيْدِي إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا  
قَوْمًا فَاسِقِينَ ④

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ⑤

وَجَدُوا بِهَا آسِنَاتَ نَهْزَاتٍ أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ  
كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ⑥

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَعَلْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ عِبَادًا الْمُؤْمِنِينَ ⑦

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عِلْمَنَا مِنْطِقٌ  
الْكَلْبِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُ الْفَضْلُ الْبِيبِيُّ ⑧

وگردآورده شد برای سلیمان لشکر های  
اواز جن و آدمیان و مُرغان پس این  
جماعت بعضی را تارسیدن بعضی  
دیگرایستاده کرده می شدند (۱۷) .

تا وقتی که چون رسیدند بمیدان موران گفت  
مورچه ای مورچگان در آئید بخانه های  
خود تا درهم نشکنند شمارا سلیمان  
و لشکرهای او نادانسته (۱۸) .

پس خندان تبسم کرد از گفتار مورچه گفت  
ای پروردگار من الهام کن مرا که شکر این  
نعمت تو کنم که انعام کرده ای بر من  
و بر پدر و مادر من و الهام کن مرا که  
بچارم کردار شائسته که خوشنودشوی بآن  
و در آرم برحمت خود در زمره بندگان  
شائسته خویش (۱۹) .

و باز جست احوال مرغان پس گفت چیست  
مرا که نمی بینم همد را یا هست  
از غائب شدگان (۲۰) .

هر آئینه عقوبت کنم او را عقوبت سخت  
یا البته ذبح کنم او را یا این ست که  
بیارد پیش من حجت ظاهر (۲۱) .

پس توقف کرد نه چندان دیر پس گفت  
در گرفتیم بچیزی که در نه گرفته ای بآن  
و آورده ام پیش تو از قبیلۀ سبا خبریقین را  
(۲۲) .

هر آئینه من یافتیم که زنی پادشاهی میکند  
برایشان و داده شده است او را از هر نعمتی  
و او را تختی ست بزرگ (۲۳) .

یافتیم که او و قوم او سجده می کنند

وَسُكِرَتُ لَهُمْ جُودَةٌ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ لِمَنْ يُدْعُونَ ﴿۱۵﴾

حَتَّىٰ إِذَا تَوَاصَلُوا وَادَّالَّتِ الْمَلَأَ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا  
مَسْكِنَتَكُمْ لَا يَحْطِئُكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُودَةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۶﴾

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ  
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا  
تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۷﴾

وَتَقَعَّدَ الطَّيْرُ فَقَالَ مَا لِيَ لَأَرَىٰ الْهُدَىٰ هَذَا لِمَ كَانُ  
مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿۱۸﴾

لَأَعَذِّبَنَّكَ عَذَابًا شَدِيدًا أَوَّلًا أَذْبَحْتَهُ أَوْ لِيَأْتِنِي  
بِسُلْطَنٍ مُّبِينٍ ﴿۱۹﴾

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطَّتْ بِهَا أَلْمُ حُطَّيْهِ  
وَ جَنَّاتِكَ مِنْ سَبَائِلِكُمْ الْيَقِينِ ﴿۲۰﴾

إِنِّي وَجَدتُهَا أَمْرًا تَنبِئُهُمْ وَأَوْبَيْتُ مِنْ كُلِّ سَعْيٍ  
وَأَلْهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿۲۱﴾

وَجَدْتُهَا قَوْمًا يَسْجُدُونَ لِلشَّيْءِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ

خورشید را بغیر از خدا و آراسته است  
شیطان برای ایشان کردار های ایشانرا  
پس بازداشت ایشان را از راه پس ایشان  
راه نمی یابند (۲۴) .

بسوی آن که سجده کنند آن خدای را که  
بیرون می آرد پوشیده را که در آسمانها  
وزمین است و می داند آنچه پنهان می  
دارید و آنچه آشکارا می کنید (۲۵) .

خدا آنست که نیست هیچ معبود بحق  
غیر او پروردگار عرش بزرگ (۲۶) .

گفت سلیمان خواهیم دید آیا راست گفتمی  
یا هستی از دروغ گویان (۲۷) .

براین نامه را پس بینداز آنرا بسوی ایشان  
بازرو بگردان از ایشان پس بنگر چه جواب  
باز می دهند (۲۸) .

(بلقیس) گفت ای جماعت اشراف  
هر آئینه انداخته شد بسوی من نامه ای  
گرامی (۲۹) .

هر آئینه این نامه از جانب سلیمان ست  
و هر آئینه این نامه بنام خدای بخشاینده  
مهربان ست (۳۰) .

باین مضمون که تکبیر مکنید بر من بیائید<sup>ه</sup>  
پیش من مسلمان شده (۳۱) .

گفت (بلقیس) ای جماعت اشراف جواب  
دهید مرا در تدبیر من، نبودم من فیصله  
کننده هیچ کار را تا وقتی که شما حاضر  
شوید پیش من (۳۲) .

گفتند ما خداوندان توانائی ایم و  
خداوندان کارزار سختیم و تدبیر مفوض

الشَّيْطَانِ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّ عَنْهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾

الَّذِي جُنْدًا لَهُ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْأَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾

أَلَمْ يَكُنْ لِلَّهِ الْإِلَهَ الْأُخْرَىٰ الْعَرْشُ الْعَظِيمُ ﴿٢٦﴾

قَالَ سَتَنْظُرُونَ أَصَدَقْتُم مِّنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾

إِذْ هَبَّتْ بِيَدِي هَذَا فَالْقَهْوَةُ إِلَهُهُم مُّوتَلِّعَةً لَهُمْ فَانظُرْ  
مَاذَا يُرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَىٰ أَلْفَىٰ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ ﴿٢٩﴾

إِنَّهُ مِّنْ سَلِيمٍ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾

الَّذِينَ عَلَوْا عَلَىٰ وَأَتَوْنِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَىٰ أَفْتُونَ فِي أَمْرِي مَا كُنْتُمْ قَاطِعَةً أَمْرًا  
حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ ﴿٣٢﴾

قَالُوا لَنْ نَمُنَّ أُولَئِكَ قَوْمًا فِي سُدِّدَةٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكَ  
فَانتظري ماذا تأمرين ﴿٣٣﴾

بسوی تُست پس درنگر چه چیزی می فرمائی (۳۳) .

گفت هرآئینه پادشاهان چون درآیند بدهی خراب کنند آنرا و سازند عزیزان اهل آن را رسوایان و همچنین می کنند (۳۴) .

وهرآئینه من فرستنده ام بسوی ایشان تحفه ای پس بیننده ام به چه چیز بازمی آیند فرستادگان (۳۵) .

پس چون آمد آن فرستاده پیش سلیمان گفت سلیمان آیامداد می کنید مرابمالی پس آنچه عطا کرده ست مرا خدای تعالی بهترست از آنچه عطا کرده است شمارا بلکه شما بتحفه خویش شادمان می شوید (۳۶) .

بازر بسوی ایشان پس هرآئینه بیایم برایشان بالشکر هائی که طاققت نباشد ایشان را بمقابله آن وهرآئینه بیرون کنیم ایشان را ازده رسواشدگان وایشان خوارباشند (۳۷) .

گفت<sup>(۱)</sup> سلیمان ای عزیزان کدام يك ازشمامی آردپیش من تخت اوراپیش ازآن که بیایند نزد من مسلمان شده (۳۸) .

گفت تهمتئی ازجن من بیارمش نزد تو پیش ازآنکه برخیزی ازجای خود وهرآئینه من برآن عرش توانای باامانتم (۳۹) .

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَافَ أَهْلِهَا آذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿۳۳﴾

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنظُرْهُ ثُمَّ رِيحُهُ الرُّسُلُونَ ﴿۳۴﴾

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتَيْتُكُمْ بِمِثْلِ مَا آتَيْتَنِي اللَّهُ خَيْرِيًّا أَتَيْتُكُمْ بِمِثْلِهَا خَيْرِيًّا وَرِيحُكُمْ رِيحُ الْجَنَّةِ ﴿۳۵﴾

إِرجِعْ إِلَيْهِمْ قَلْبًا تَبْتَغِيهِمْ فَيَجُودُوا لِقَائِهِمْ يَوْمَ يُؤْتِيهِمْ مَنَّهُمْ آذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿۳۶﴾

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ الْأَيْمَنُ يَا أَيُّهَا الْعَمَلَاءُ إِنَّهُ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ ﴿۳۷﴾

قَالَ عِفْرِيُّ بْنُ مَرْثَدَةَ قَالَ لَيْسَ بِكَ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ الْأَيْمَنُ يَا أَيُّهَا الْعَمَلَاءُ إِنَّهُ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ ﴿۳۸﴾

قَالَ عِفْرِيُّ بْنُ مَرْثَدَةَ قَالَ لَيْسَ بِكَ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ الْأَيْمَنُ يَا أَيُّهَا الْعَمَلَاءُ إِنَّهُ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ ﴿۳۹﴾

(۱) مترجم گوید سلیمان علیه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید و عقل و جمال او را ادراک فرماید .

گفت شخصی که نزد او علم بود از کتاب الهی من بیمارم نزد تو پیش از آنکه بازگردد بسوی تو چشم تو پس چون سلیمان دید آنرا قرار گرفته نزدیک خویش گفت این خارق عادت از فضل پروردگار من است تا امتحان کند مرا آیا شکرگذاری می کنم یا ناسپاسی می نمایم و هر که شکر گذاری کند پس جزاین نیست که شکر گذاری میکند برای نفع خویش و هر که ناسپاسی کرد پس پروردگار من بی نیاز کَرَم کننده است (۴۰) .

گفت سلیمان متغیر سازید برای امتحان این زن تخت او را بنگریم آیا راه شناخت می یابد یا می شود از آنانکه راه نمی یابند (۴۱) .

پس چون پیامد (بلقیس) گفته شد آیا چنین ست تخت تو گفت گویاوی همان ست و داده شد مارادانش بحقانیت سلیمان پیش ازین مقدمه و هستیم مسلمانان (۴۲) .

و باز داشت سلیمان آن<sup>(۱)</sup> زن را از آنچه عبادت می کرد بجز خدا هر آئینه وی بود از گروه کافران (۴۳) .

گفته شد بوی که در آری باین کو شک پس

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَعْزِلاً عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَكُفِّرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَيْبِي عَسِيٌّ كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً

(۱) مترجم سلیمان علیه السلام را فاعل صدها قرار داده است و اکثر مفسرین می گویند که فاعل صدها "ما" "المصدریه یا الموصوله" است و معنی آیت اینطور میشود که باز داشت آن زن را از عبادت خدا آنچه عبادت میکردند غیر از خدا والله اعلم .

چون بدید آنرا پنداشتش حوض آب و جامه برداشت ازدوساق خود گفت سلیمان این کوشکی ست بی نقش درخشان ساخته شده از شیشه گفت (بلقیس) ای پروردگار من هر آینه من ستم کرده ام بر خویش و اسلام آوردم همراه سلیمان برای خدا پروردگار عالمها (۴۴) .

وهر آینه فرستادیم بسوی ثمود برادر ایشان صالح را که عبادت کنیدی خدای را پس ناگهان آن قوم دگر گروه شدند بایکدیگر خصومت می نمودند (۴۵) .

گفت صالح ای قوم من چرا شتابان طلب می کنید سختی را پیش از راحتی چرا طلب آمرزش نمی کنید از خدا بُوَد که رحم کرده شود بر شما (۴۶) .

گفتند شگون بد گرفتیم از تو و از آنانکه همراه تواند گفت شگون بد شما نزد خداست<sup>(۱)</sup> بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده می شوید (۴۷) .

و بودند در آن شهر نه گروهک که فساد می کردند در زمین و اصلاح نمی نمودند (۴۸) .

گفتند بایک دیگر قسم خدا خورده که البته شبیخون ز نیم بر صالح و اهل خانه او باز البته خواهیم گفت وارث او را حاضر نه

وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِيهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرَحَ مُرَدِّدٍ مِّنْ قَوَارِيرِهِ  
قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سَيِّئِينَ لِلَّهِ  
رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۴﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ  
فَادَاهُمْ قَوْمٌ يَّتَخَفُونَ ﴿۴۵﴾

قَالَ يَوْمَ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ يَا سَيِّئَةَ قَبْلِ الْحَسَنَةِ  
لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۴۶﴾

قَالُوا الظُّلُمَاتُ بِنَاكَ وَإِنَّ مَعَكَ قَالِ ظَلِمْتُمْ جِنْدَ اللَّهِ  
بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿۴۷﴾

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ  
وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿۴۸﴾

قَالُوا اتَّقُوا اللَّهَ يَا لَلَّهِ لَمُبِينَنَّهُ وَآهَلَهُ ثُمَّ لَقَوْا لَوْلِيَّهِ  
مَا شَهِدْنَا مَا مَلَكَ أَهْلَهُ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿۴۹﴾

(۱) یعنی مصائب بروفق تقدیر الهی جاری میشود .

بودیم وقت هلاک شدن اهل اوهر آئینه  
ماراست گوئیم (۴۹) .

و حيله کردند بنوعی از حيله و تدبير کردیم  
مانوعی از تدبير و ايشان نمی دانستند (۵۰) .

پس بنگر چگونه بود سرانجام حيله ايشان  
که ماهلاک کردیم ايشان را و قوم ايشان را  
همه يك جا (۵۱) .

پس اين ست خانه های ايشان خالی مانده  
به سبب ظلم ايشان هر آئینه درين ماجرا  
نشانه هست گروهی را که ميدانند (۵۲) .

و نجات دادیم آنان را که ايمان آوردند و  
پرهيزگاری می کردند (۵۳) .

و فرستادیم لوط را چون گفت بقوم خود آيا  
بعمل می آريد کاربی حيائی را و شما می  
بينيد (۵۴) .

اياشمامی آئيد بمردان باراده شهوت بجز  
زنان بلکه شما قومی نادانيد (۵۵) .

پس نه بود جواب قوم او مگر آنکه گفتند  
بيرون کنيد اهل خانه لوط را از ده خویش  
هر آئینه ايشان مردم پاکی طلبند (۵۶) .

پس نجات دادیم او را و اهل او را مگر  
زنش که معين کردیم او را از باقی ماندگان  
(۵۷) .

و بارانيدیم بر سر ايشان بارانی پس بدست  
باران ترسانده شدگان (۵۸) .

بگوسپاس خدای راست و سلام بر آن  
بندگان او که بگزیده است ايشان را  
آيا خدا بهتر است يا آنچه شريك می آرند  
(۵۹) .

وَمَكَرُوا مَكَرًا وَمَكَرْنَا مَكَرًا وَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۴۹﴾

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ اَتَادَمْرُهُمْ  
وَقَوْمَهُمُ اجْمَعِينَ ﴿۵۰﴾

فَبِكَ بِيَوْمِهِمْ خَاوِيَةً يَمَاظَلَمُوا اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً  
لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۵۱﴾

وَاجْبِنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ ﴿۵۲﴾

وَلَوْ كُنَّا اِذْ قَالْ لِقَوْمِهِ اَتَاْتُوْنَ الْفَاحِشَةَ  
وَاَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿۵۳﴾

اَيْنَكُمْ لَتَاْتُوْنَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ  
اَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿۵۴﴾

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ اِلَّا اَنْ قَالُوْا اَسْرِجُوْا اَلْ  
لُوطُ مِنْ قَرِيْبِكُمْ اِنَّهُمْ اِنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿۵۵﴾

فَاَنْجَيْنَاهُ وَاَهْلَهُ اِلَّا امْرَاَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَيْرِيْنَ ﴿۵۶﴾

وَ اَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَاَسَاءَ مَطَرُ الَّذِيْنَ يَنْذَرِيْنَ ﴿۵۷﴾

قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى اِنَّ اللّٰهَ  
خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿۵۸﴾



(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه بیافرید آسمانها و زمین را و فرودآورد برای شما از آسمان آب پس رویانیدیم به سبب آن بوستانها راباتاگی ممکن نه بود شمارا که برویانید درخت های آن را آیا معبودی هست با خدا بلکه ایشان گروهی اند که کج میروند (۶۰) .

( نه بلکه می پرسیم ) کیست آنکه ساخت زمین را قرارگاه و پیداکرد در میان زمین جویها و بیافرید برای زمین کوه ها و بیافرید میان دودریا حجاب را آیا معبودی دیگر هست با خدا بلکه بیشترین ایشان نمی دانند ( ۶۱ ) .

( نه بلکه می پرسیم ) کیست آنکه قبول می کند درمانده را چون بخواندش و بردارد سختی را و بسازد شمارا جانشین نخستینیان در زمین آیا معبودی دیگر هست با خدا اندکی پندمی پذیرید ( ۶۲ ) .

( نه بلکه می پرسیم ) کیست آنکه راه می نماید شمارا در تاریکی های بیابان و دریا و می فرستد باد هارا مژده دهنده پیش دست رحمت خود آیا معبودی هست با خدا برترست خدا از آنکه شریک می گیرند ( ۶۳ ) .

( نه بلکه می پرسیم ) کیست آنکه نوپیدا می کند آفرینش باز دگر بار بار گرداندش و کیست آنکه روزی می دهد شمارا از آسمان و زمین آیا معبودی هست با خدا بگو بیارید حجت خود را اگر راست

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا إِنَّ اللَّهَ مَعَّ اللَّهُ بَلْ لَمْ تَكُونُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٦٠﴾

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَابِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا إِنَّ اللَّهَ مَعَّ اللَّهُ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ خَلْقَاءَ الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ مَعَّ اللَّهُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ مَعَّ اللَّهُ تَعْلَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾

أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ ﴿٦٤﴾

گوئید (۶۴) .

بگویند آنکه در آسمانها وزمین است  
غیب را مگر خدا و نمیدانند که کی  
برانگیخته شوند (۶۵) .

بلکه پی در پی متوجه شد علم ایشان  
در بابِ آخرت<sup>(۱)</sup> بلکه ایشان در شبهه اند  
از آخرت بلکه ایشان از آخرت نایبند  
(۶۶) .

و گفتند کافران آیا چون شویم خاک و پدران  
مانیز آیاما بیرون آوردگانیم (یعنی از قبور)  
(۶۷) .

هر آئینه وعده داده شد باین مقدمه مارا  
و پدرانِ مارا پیش ازین، نیست این مگر  
افسانه های پیشینیان (۶۸) .

بگو سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه  
بود انجام کارکنندگان (۶۹) .

و اندوه مخور برایشان و مباحث در تنگدلی  
از مکرِبِدِ ایشان (۷۰) .

ومی گویند کی باشد این وعده اگر راست  
گوئید (۷۱) .

بگو شاید نزدیک شده باشد بشما بعض  
آنچه بشتاب می طلبید<sup>(۲)</sup> (۷۲) .

و هر آئینه پروردگارتو خداوند فضل ست  
بر مردمان ولیکن بیشترین ایشان شکر  
نمی کنند (۷۳) .

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ  
وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿۶۴﴾

بَلْ اذْكُرْ عَلَيْهِمْ فِي الْآخِرَةِ - بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ  
مِنْهَا بَلْ هُمْ قَوْمٌ مُّاعَمُونَ ﴿۶۵﴾

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبًا وَنَا إِلَهُاتَا  
لَمُخْرَجُونَ ﴿۶۶﴾

لَقَدْ وَعَدْنَا مَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا  
إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۶۷﴾

قُلْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ  
عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿۶۸﴾

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿۶۹﴾

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۷۰﴾

قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدْفٌ لَكُمْ بَعْضُ  
الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿۷۱﴾

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ  
أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿۷۲﴾

(۱) یعنی تابه آنکه منقطع گشت .

(۲) یعنی عقوبت دنیا .

وهرائینه پروردگار تو میداند آنچه پنهان می کنند سینه های ایشان و آنچه ظاهر می نمایند (۷۴) .

و نیست هیچ پوشیده در آسمان و زمین مگر نوشته است در کتاب روشن (۷۵) .

هرائینه این قرآن بیان می کند پیش بنی اسرائیل بیشتر آنچه ایشان در آن اختلاف می کنند (۷۶) .

وهرائینه وی هدایت و رحمت است مسلمانان را (۷۷) .

هرائینه پروردگار تو فیصله کند میان ایشان بحکم خود و اوست غالب دانا (۷۸) .

پس توکل کن بر خدا هرائینه تو بردین راست روشن هستی (۷۹) .

هرائینه تونمی توانی شنواید مردگان را ونمی توانی شنوایدن کران را آواز وقتیکه روبگرداند پشت داده (۸۰) .

و نیستی توراہ نماینده کوران تاباز آینداز گمراهی خویش نمی شنوای مگر کسی را که ایمان آورده است بآیت های ما پس این جماعت گردن نهندگاند (۸۱) .

و چون متحقق شود وعده عذاب برایشان بیرون آریم برای ایشان جانوری از زمین که سخن گوید بایشان بسبب آنکه مردمان بآیات مایقین نمی آوردند (۸۲) .

و آن روزکه برانگیزیم ازهرامتی طائفه ای را از آنانکه دروغ می شمرند آیات مارا پس ازایشان بعضی را تارسیدن بعضی

وَأَنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿۷۴﴾

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا كِتَابٌ مُّبِينٌ ﴿۷۵﴾

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُضُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكُتُبَ الَّتِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۷۶﴾

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۷۷﴾

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿۷۸﴾

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿۷۹﴾

إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمُوتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الْقَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذَا كَانُوا بِأُذُنِ اللَّهِ مُسْمِعِينَ ﴿۸۰﴾

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَن صَلَاتِهِمْ إِنَّ تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ يَا أَيَّتُمْ فَهُمْ مُسْمِعُونَ ﴿۸۱﴾

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿۸۲﴾

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَلِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿۸۳﴾

ایستاده کرده میشود (۸۳) .

تا وقتیکه چون حاضر آیندگوید خدا آبادرود  
شمرید آیات مرا و در نگرفته بودید بآن  
از روی دانش یا چه کار می کردید (۸۴) .

و ثابت شد وعده عذاب برایشان بسبب  
ستم کردن ایشان پس آن جماعت سخن  
نگویند (۸۵) .

آیا ندیده اند که ماییداکرده ایم شب را  
تا آرام گیرند در آن و پیداکرده ایم روز را  
روشن هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست  
قومی را که باورمی دارند (۸۶) .

و یادکن آن روز که دمیده شود در صور  
پس مضطرب شوند آنانکه درآسمانها یند  
و آنانکه درزمین اند مگر کسیکه خدا  
خواسته است و همه بیایند پیش خدا  
خوارشده (۸۷) .

و به بینی کوه هاراپنداری آنها را برجای  
ایستاده و آنها می روند مانند رفتن ابر صُنع  
آن خدای که استوار ساخت هرچیز را  
هرآئینه وی خبردارست بآنچه می کنید  
(۸۸) .

هرکه بیارد نیکی پس او را باشدبهرتر از آن  
و ایشان ازاضطراب آن روز ایمن باشند  
(۸۹) .

و هرکه بیارد بدی نگونسار کرده شود  
چهره های ایشان درآتش جزاداده نمی  
شوید مگر بوفق آنچه می کردید (۹۰) .

بگو (یا محمد) جزاین نیست که فرموده  
شدمراکه عبادت کنم خداونداین شهر را

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا  
عَلِمًا مَّاذَا أَكُنْتُم تَعْمَلُونَ ﴿۸۳﴾

وَوَعَدَ الْقَوْلَ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ لَآ يَنْطِقُونَ ﴿۸۴﴾

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسًا لِّكُوْفِيهِمْ وَالنَّهَارَ مُبْرًا  
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۸۵﴾

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَسْمَعُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ  
وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ  
ذُخْرِينَ ﴿۸۶﴾

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدًا وَهِيَ تَمْرٌ مَّر  
السَّحَابِ صُفْرًا ثُمَّ اللَّهُ الَّذِي أَنْشَأَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ  
خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۸۷﴾

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّمَّا وَاهُمْ مِنْ قُرْبٍ  
يَوْمَئِذٍ الْيَمِينُ ﴿۸۸﴾

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ  
يُخْرَجُونَ إِلَّا لِيَأْكُلُوا مِنَّمَا أَعْمَلُوا ﴿۸۹﴾

إِنَّمَا أَرِيتُمْ أَنِ اعْبُدُوا رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي حَرَّمَ هَؤُلَاءِ

(یعنی مکه) آنکه محترم ساخت آنرا و بتصرف اوست هر چیز، و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان (٩١) .

و فرموده شد آنکه بخوانم قرآن را پس هر که راه یافت پس جزاین نیست که راه می یابد برای نفع خویشتن و هر که گمراه شد بگو جزاین نیست که من از بیم کنندگانم (٩٢) .

و بگوستایش خدای راست خواهد نمود شمارا آیات خود پس بشناسید آنها را و نیست پروردگارتو بی خبر از آنچه می کنی (٩٣) .

سوره قصص مکی است و آن هشتاد و هشت آیت و نه رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسّم ١

بِكَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢

تَنزِيلًا عَلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ٣

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا

يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَدْبِقُونَ

نِسَاءَهُمْ ذُرِّيَّتَهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ٤

وَرِيْدٌ أَنْ تَرْحَلَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ

وَتَجْعَلَهُمْ آيَةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ٥

بنام خدای بخشاینده مهربان .  
طسّم (١) .

این آیت های کتاب روشن است (٢) .  
بخوانیم بر تو بعض خبر موسی و فرعون  
به راستی برای گروهی که باور میدارند  
(٣) .

هر آئینه فرعون تکبر کرد در زمین و ساخت  
اهل آن را گروه گروه زبون می گرفت  
جماعتی را از ایشان، می کشت پسران  
ایشان را و زنده می گذاشت دختران ایشان  
را هر آئینه وی بود از مفسدان (٤) .

و می خواستیم که نعمت فراوان دهیم  
بر آنان که زبون گرفته شدند در زمین  
و پیشوا سازیم ایشان را و وارث کنیم